

موقعیت‌شناسی زنان در دعوت پیامبر ﷺ

زهره طهرانیان

چکیده

با بررسی فرهنگ زمان نزول اسلام و رفتار برخاسته از جهل و نادانی، آثار تحقیر و تقیح آن را در مورد زنان مشاهده می‌کنیم و ضرورت یک انقلاب فرهنگی را احساس می‌نماییم. رسول گرامی اسلام ﷺ اصلاحات فرهنگی، اجتماعی و... خود را، که از پشتوانه‌ی وحیانی برخوردار بود، در تمامی عرصه‌ها به بهترین شکل ممکن، در مدت کوتاهی، به منصفی ظهور رساند؛ به ویژه در مورد زنان که آنها را از بحران هویت، امنیت، اخلاق، خانواده، اجتماع و... رهایی بخشید و طرز تلقی مردم آن زمان را در مورد این قشر مظلوم تغییر داد.

در رویکرد نبی مکرم اسلام ﷺ زن دارای شخصیت والای انسانی است که در خانواده از مقام و منزلت ویژه‌ای برخوردار است، ضمن این که پایگاه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی وی باید محترم شمرده شود. در ادبیات اسلام زن و مرد، همانند دو سیاره گرد هم در مدار خود در گردشند و تقسیم مسؤولیت‌ها مایه‌ی برتری و یا فروتری نیست، بلکه کمال هر شخص در حوزه‌ی وظایف محوله‌اش بروز می‌کند.

واژگان کلیدی: پیامبر ﷺ، شخصیت، زن، خانواده، جاهلیت، اجتماع، فرهنگ.

مقدمه

تبیین و تدوین سیره‌ی نبی مکرم اسلام ﷺ نه تنها یکی از بایسته‌های دینی است، بلکه از ضرورت‌های عملی و اجتماعی روزگار ماست؛ به ویژه بررسی شیوه‌ی برخورد و رفتار ایشان در مورد زنان، که نیمی از پیکره‌ی اجتماع را تشکیل می‌دهند.

تردیدی نیست که زنان در طول تاریخ از شأن و موقعیت لازم و کافی برخوردار نبوده و غالباً دچار ستمی مضاعف شده‌اند. با رشد روزافزون آگاهی‌های بشر و افزایش آگاهی بانوان در سده‌های اخیر، به تدریج، این پرسش به طور جدی مطرح شده است که «جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می‌توان حقوق از دست رفته‌ی زنان را استیفا کرد؟». در این راستا به یقین می‌توان گفت دین خاتم و بیشتر از همه نبی مکرم اسلام ﷺ به احیای شخصیت والای زنان همت گماشته است. معارف این مکتب متعالی و این الگوی حیات بخش، هر چند در مسیر احیای شخصیت زنان بسی تأثیر و توفیق داشته، اما متأسفانه این راه درخشان در پس ابرهای جهل مدرن و خرافه پنهان مانده و جامعه‌ی زنان چنان که باید از میوه‌های شیرین فرهنگ نبوی ﷺ بهره‌مند نگشته

است. از این رو ضروری است که در این دوران با معرفی شخصیت زن از منظر پیامبر اسلام ﷺ کام تشنه‌ی حق جویان سیراب گردد و راه راست زندگی فراروی جامعه قرار گیرد.

نوشتار حاضر با نگاه اجمالی و مختصر به ترسیم ابعاد گوناگون دیدگاه پیامبر ﷺ در مورد زنان می‌پردازد و در واقع این مجموعه برای نیل به این هدف در چهار موضوع ارائه می‌شود: نخست به بررسی موقعیت زن در جاهلیت اولی پرداخته شده تا خواننده به ضرورت و اهمیت انقلاب فرهنگی در آن زمان و اصلاحات نبی مکرم ﷺ بیشتر پی ببرد، سپس با تبیین نگرش پیامبر ﷺ در مورد شخصیت زن و جایگاه انسانی وی پرداخته شده است و به نظر می‌رسد با توضیح جایگاه زن در خانواده و همین طور در اجتماع و سیاست و... از منظر مبارک پیامبر اعظم ﷺ بتوان تا حدودی ادبیات رویکرد رهبر بزرگ مسلمین را در دعوت آسمانی ایشان در مورد زنان ترسیم کرد.

موقعیت زن در جاهلیت عرب

اسلام دینی کامل و گویای برنامه‌ی سعادت بشر در تمامی عرصه‌هاست. این دین بزرگ توانست انقلابی عظیم در جزیره‌العرب و در رفتار عرب جاهلی و تمامی جهان ایجاد کند. اما بررسی موقعیت سطح فرهنگ و آداب و رسوم مردم آن زمان ضرورت نزول این دین آسمانی و پیامبر خاتم ﷺ را بیشتر روشن می‌نماید، به ویژه در مورد برخورد با زنان و دخترانی که در آن زمان زندگی می‌کردند.

زن در میان اعراب محرومیت زیادی داشته و با فجیع‌ترین وضع زندگی می‌کرده است. هر چند زن در طول تاریخ به شکل‌های متفاوت و در موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی گوناگون با انواع جاهلیت روبرو بوده است، اما اندیشه‌ی شیء انگارانه به زن، مبین اوج جاهلیت فرهنگی در آن زمان بوده است. در این دوره سرنوشت زن، مقهور اراده‌ی مرد بود و مردان از حق فروش، کشتن، زدن، آزار و... زن برخوردار بودند (محمد نصیری، ۱۳۸۴، ۵۱).

اگر زنی باردار می‌شد در موقع زایمان او را در صحرا می‌بردند و قبری کنارش حفر می‌نمودند تا اگر نوزاد دختر بود بلافاصله زنده به گور می‌شد و اگر مادری برای سومین بار دختر به دنیا می‌آورد، همراه نوزاد زنده به گور می‌شد، که همه‌ی این‌ها نشأت گرفته از فقر فرهنگی و جهالت بوده است (دهقان، ۱۳۷۹، ۲۸).

قرآن کریم در مذمت این عمل ناشایست چنین می‌فرماید:

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (تکویر، ۸)

در قیامت از دختران زنده به گور شده سؤال می‌شود:

يَا أَيُّ ذُنُبٍ قُتِلْتِ (تکویر، ۹)

به کدامین گناه کشته شدند.

در میان آنان اگر پدری دخترش را زنده می‌گذاشت مرگ زودرس او را سعادتی برای خود می‌شمرد و دیگران به او می‌گفتند: «خدا شما را از ننگ او ایمن بدارد، هزینه‌ی او را فراهم سازد و قبر را خانه‌ی داماد قرار دهد» (حاج سید جوادی، کامرانی، فانی، خرمشاهی، ۱۳۸۳، ۲۸۱).

البته به مسلخ بردن دختران و زنان به دلایل گوناگون از جمله ترس از روزی و کمبود امکانات بوده است، زیرا بقای خویش را در نبود آنان می‌دانستند، لذا قرآن به آنان بانگ می‌زند که: «الَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام، ۱۵۱) به خدا هیچ گونه شرک نوزید و به پدر و مادر احسان کنید و به خاطر فقر فرزندان خود را نکشید، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم.

در چنین جامعه‌ای به خاطر ترس از گرسنگی، آب و امکانات بسیار کم، بر خویشاوندان خود رحم نمی‌کردند و زن را به عنوان عضوی زاید، فردی که قدرت جنگیدن و دفاع از آب و مرتع را ندارد و در جنگ‌ها ممکن است اسیر شود، در هنگام کوچ از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر، سرعت مردان را ندارد و کار تولیدی و مفید انجام نمی‌دهد، بلکه مصرف‌کننده‌ای است که آب و غذای گران قیمتی را، که برای هر قطره‌ی آن خون‌ها ریخته شده، مصرف می‌کند مطرح

می دانستند (عابدینی، ۱۳۸۱، ۷۴). لذا آنان از خبر دختردار شدن به شدت ناراحت شده و در فکر چاره می افتادند.

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل، ۵۹-۵۸)؛ وقتی به یکی از آنان خبر دختردار شدن برسد صورتش کبود می گردد و در حالی که خشم خود را فرو می خورد به خاطر این خبر از قوم خود متواری می شود و فکر می کند «آیا با سستی و خواری او را ننگه دارد و یا او را در زیر خاک پنهان سازد؟»؛ چه بد حکم می کند. متأسفانه این نگاه کوتاه بین بشر به زندگی روزمره، که از روی کج فهمی گمان می برد مخلوقات الهی فقط از نگاه او دارای فایده اند و بس، دامن گیر عرب جاهلی بود تا آنجا که دست خود را به خون فرزندان بی گناه آلوده می نمود.

قیس بن عاصم وقتی جریان زنده به گور کردن دخترانش را برای رسول خدا ﷺ تعریف می کرد، زمانی که به نقل جریان آخرین دخترش که به سن نوجوانی بود و ملتمسانه از پدر درخواست ترحم می نمود، اما او دخترک را زنده به گور کرد، نبی اکرم ﷺ با چشمانی که اشک در آن حلقه زده بود فرمود: «ان هذه لقسوة و من لا یرحم لا یرحم»؛ یعنی این عمل یک سنگ دلی است و ملتی که رحم و عطف نداشتند باشد، مشمول رحمت الهی نمی گردد (سبحانی، ۱۳۸۱، ۱۷).

در میان اعراب آن زمان آلودگی به گناهان مختلف تا آنجا پیش رفته بود که بی عدالتی و تضییع حقوق دیگران و خانواده از هنجارهای اجتماعی شمرده می شد و مایه افتخار و سربلندی تلقی می گشت و چند همسری در میان آنان بی قید و شرط بود. رواج انواع زناشویی مانند ازدواج استبضاع، نکاح سفار، (مطهری، ۱۳۸۲، ۲۸۶) ازدواج موقت، ازدواج تعویضی (نصیری، ۱۳۸۴، ۵۲) و... نظام خانواده را متزلزل ساخته بود و شأن زن را تا حد کالای پایین آورده و چراغ مهر و عطف به خاموشی گراییده بود.

از این رو مورد مذمت حضرت حق قرار گرفتند. «وَلَا تَتَّكِبُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ

مِنْ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» (نساء، ۲۲)؛ زن پدر را نباید به نکاح درآورد الا آنچه در قبل (زمان جاهلیت) کرده‌اید زیرا این کاریست زشت و مبعوض خدا و بد راهی است.

البته غمناک‌تر از زناشویی و فرزندکشی، مسأله‌ی طلاق بود که با سنت‌های ستم‌گرانه، دور از انصاف و منافی با اخلاق و انسانیت همراه بود (حاج سید جوادی، کامرانی فانی، خرمشاهی، ۲۸۱) نه مقدماتی داشت و نه شرط و پیامد قانونی. مرد می‌توانست بی‌هیچ بهانه، به آسانی، پیوند زناشویی را بگسلد و نه نفقه و هزینه و نه شاهی بی‌آورد. برخی از انواع طلاق رایج بین عرب جاهلی عبارت بودند از:ظهار، ایلاء و یا طلاق ضرار که هر کدام دال بر عدم رفتار انسانی با زن می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۶۰، ۱۲) و قرآن خود گواهی محکم بر این جریان است.

«الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدَتْهُنَّ وَإِنَّهُمْ يُقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا» (مجادله، ۲)؛ و آنکه از شما با زنان ظاهر کند مادران حقیقی شوهران نخواهد شد بلکه مادر آنها جز آنکه آنها را زاییده نیست و این مردم سخنی ناپسند می‌گویند.

و در جای دیگر در مورد بلا تکلیف گذاشتن زنان و آزار رساندن از این جهت می‌فرماید:

«لِلَّذِينَ يُؤُولُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره، ۲۲۷-۲۲۶)؛ آنان که با زنان خود ایلاء کنند چهار ماه انتظار کشند اگر از قسم خود بازگشتند خداوند آمرزنده و مهربان است و اگر عزم طلاق نمودند خداوند شنوا و داناست. بی‌پروایی زنان در جامعه‌ی آن زمان و نمایاندن زیور و آرایش‌های زنانه از دیگر عادات غلط اجتماعی بوده است، تا آن حد که حتی خود زنان از شدت فقر فرهنگی خود را به مسلخ سقوط شخصیت انسانی می‌بردند و به ظلم بر علیه خود دامن می‌زدند.

«وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِنَّ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الرَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً...» (احزاب، ۱۲)؛ در خانه‌هایتان بمانید و مانند دوره‌ی جاهلیت خود آرای و تبرج مکنید.

در توصیف نحوه‌ی تنزل جایگاه انسانی و افول شخصیت انسانی و فقر فرهنگی و عقاید غلط در جاهلیت، مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرماید:

خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را زمانی مبعوث کرد که مردم در حیرت بودند و در فتنه‌ها به سر می‌بردند، هوی و هوس بر آنها چیره شده و تکبر آنها را به لغزش‌های فراوان کشانده بود، در امور زندگی حیران و سرگردان بودند و بلای جهل دامن‌گیرشان کرده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله، از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹، ۱۷۹).

حال با این توصیفات، در محیطی که اخلاق و ارزش‌های انسانی رخت بر بسته بود و آن چنان رفتار غیرانسانی حاکم بود که قلم از نوشتن آن شرم دارد، آیین آسمانی اسلام به دست رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و زنگ بیدارباش را به صدا درآورد.

رویکرد نبی اکرم صلی الله علیه و آله به شخصیت زن

شناخت نقشی که زن در زندگی رسول خدا داشته و جایگاهی که اسلام به عنوان یک آیین زنده و زندگی ساز برای زن قائل شده است، در واقع گوشه‌ای از اسلام و صفحه‌ای از صفحات این مکتب نورانی است.

متأسفانه عده‌ای سیمای مهربان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بازوی حمایت ایشان را در دفاع از نوامیس مسلمین ندیدند و تلاش کردند این قشر وسیع و مؤثر جامعه‌ی بشری، یعنی زنان را به مکتب حیات بخش اسلام بدبین سازند.

اما با بررسی سیره‌ی این شخصیت بزرگ و ورق زدن صفحات تاریخ می‌توان با مستندات فراوان خط بطلانی بر ادعای واهی یاوه‌گویان کشید و دریافت که دیدگاه ایشان درباره‌ی زنان منحصر به فرد است، زیرا در دفاع از زن نه با

بالا بردن حقوق او در برابر مرد قرارش داد و نه آن قدر به مردان بها بخشید که از شخصیت زن فراموش کنند؛ برخلاف فمینیست‌ها، که از موضع برابر گرایسی به دفاع از زن پرداختند و مسیر افراط را در پیش گرفتند.

اسلام در پرتو تعالیم سعادت بخش خود و تبلیغ آن به دست پرتوان و نوید بخش نبی اکرم ﷺ ندای عدالت و برابری را جهت کسب کرسی‌های کمال برای تمامی اقشار جامعه، به ویژه دو رکن اساسی آن یعنی زن و مرد، سر داد، تا آنجا که در متن این آموزه‌ها داریم:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۲)؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، ۶)؛ ای انسان، تو به سوی پروردگارت یک نوع تلاش کننده هستی پس ملاقات کننده‌ای او را.

در سیر توحیدی هیچ امتیازی بین زن و مرد نیست، زیرا سفر حقیقی در مراحل توحید برعهده‌ی مقام انسانی است که مبرای از تأنیث و تذکیر است (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ۱۸۶) و در این راستاست که متن این آیه‌ی شریفه تأکید دارد پاداش هیچ صاحب عمل نیکی بی‌بهره نمی‌ماند؛ «أَنْتِ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران، ۱۹۵)، من عمل هیچ صاحب عملی را از شما چه مرد و چه زن ضایع و بی‌پاداش نمی‌گذارم.

در بستر تعالیم وحی، پیامبر اکرم ﷺ در حالی به جایگاه زن با دید عظمت نگریست که او را به عنوان موجودی حقیر و پست می‌انگاشتند.

پیامبر اکرم ﷺ:

«ما أكرم النساء الا كريم و ما اهانهن الا لئيم» (صدور، ۱۳۸۲، ۱۰)

جز انسان بزرگوار زن را گرامی نمی‌دارد و جز شخص پست به او اهانت نمی‌کند. ایشان اوج کمال یابی را در بزرگواری، کرامت و احترام به شخصیت زنان می‌دانستند و تبلور این تفکر و اندیشه‌ی متعالی همان آموزه‌های ذات اقدس الهی

است، که در تراز میزان اعمال، این دو پیکره‌ی حیاتی جامعه‌ی بشری را در یک ترازو قرار داده و هر دو را مورد خطاب متین خود قرار می‌دهد و از این طریق دهان مدعیانی را که در شخصیت زن تردید داشتند و یا برای او مقامی فروتر از مرد قائل بودند می‌بندد.

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب، ۳۵)؛

بی‌گمان مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان فرمانبر و زنان فرمانبر و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکبیا و زنان شکبیا، مردان افتاده و فروتن و زنان افتاده و فروتن و مردان صدقه‌بخش و زنان صدقه‌بخش و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خداوند برای همگی آنها آمرزش و پاداشی بزرگ آماده ساخته است.

مؤمن و مؤمنه، یعنی زن و مرد هر دو پوینده راه به یک مقصد هستند و هر دو کوچ‌کننده به سوی هدف نهایی هستی‌اند. هدف‌ها و آرمان‌های بزرگ باید راه‌های گوناگونی نیز داشته باشد، همان‌طور که شاهد این گوناگونی راه‌های کمال در متن شریعت و نظام تکوین هستیم. پس باید این دو پیکره‌ی مهم جامعه به تشخیص راه‌های رسیدن به کمال همت گمارند تا به جایگاه مناسب برسند.

همسانی آثار و ره‌آورد‌های تلاش زن و مرد دستاورد مهم مکتب رسول خداست، که گوش‌زد می‌کند:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷)؛ هر مرد و زن که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده شد، زندگی خوش و پاکیزه‌ای به او خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان به آنان خواهیم بخشید.

گویا در میزان اندیشه‌ی دینی و سنت نبوی ایمان شرط و مؤلفه‌ی بسیار مهم برای قبولی عمل و رسیدن به حیات طیبه است که هیچ فرقی بین دو صنف انسانی در این مقوله نیست و این مهم سد راه هر اندیشه‌ی مخربی است که اسلام عزیز و روش پیامبر بزرگ الهی ﷺ را نشانه می‌گیرد و آن را محکوم به پست تر شمردن جامعه‌ی زنان و شخصیت آنان می‌داند.

در جامعه‌ای که بهره‌ای از انسانیت نبرده‌اند و در برهه‌ای از تاریخ که مغرب زمین در اوج ظلم تاریخی خود به زن به سر می‌برد و زن را موجودی ناپاک و زاده‌ی شیطان می‌دانستند و حتی متمدن‌ترین ممالک مانند روم و یونان، که در مهدشان ارسطو و سقراط را پرورش داده‌اند، خدا را شاگردند که زن آفریده نشده‌اند (زیبایی نژاد، سبحانی، ۱۳۷۹، ۵۳). قلبی مهربان و دل‌سوز با نیرویی الهی در حمایت از این موجود لطیف و شریف می‌فرماید:

آگاه باشید که بهترین شما کسانی اند که با زنان بهتر رفتار کنند و من از هر کس بر این امر بهترم (طباطبایی، ۱۳۷۹، ۸۳).

آری پیامبر گرامی اسلام ﷺ در ۱۵ قرن قبل و تنها به فاصله‌ی کمی از روزگار جاهلیت، کامل‌ترین و متعالی‌ترین نمونه‌ی جامعه‌ی مدنی را در تمام تاریخ بنا نهاد؛ جامعه‌ای که در آن زن جایگاه واقعی خویش را به دست آورد و از زیر بار نگاه‌های حقارت‌آمیز خارج گردید. زن دیگر یک جنس پست و منفور و یا کالایی در خدمت مرد نبود، بلکه دین مبین اسلام دختران و زنان را مانند مردان به عنوان خلیفة‌الله در زمین معرفی کرد.

قال رسول الله لا تکرهوا البنات فانهن المؤمنات الغالیات (محمدی ری شهری، ج ۱۰، ۱۳۷۱، ۷۰۵)

دختران را زشت مپندارید زیرا آنان وسیله‌ی انس و با ارزش و گران قدرند. با این وصف رسول خدا خانه‌ای را که در آن حضور دختران را شاهد باشد سرشار از برکت و رحمت آسمانی می‌داند و تأکید می‌نماید که رفت و آمد ملائک از آن خانه قطع نمی‌شود و برای والدین آن در هر شب و روز عبادت

یکسال ثبت می‌شود (دهقان، ۱۳۷۹، ۴۶). آیا این جزگوش‌زد کردن و توجه به این ساحت انسانی است و آیا رفع تبعیض به بهترین مصداقش در این آموزه‌ها تجلی نمی‌یابد؟ این در حالی است که سردمداران و منادیان دروغین حقوق بشر، که امروزه فریاد آنها در دفاع از زنان گوش فلک را کر کرده است و اسلام را متهم به تبعیض بین زن و مرد می‌نمایند، شاید اطلاع داشته باشند که اروپائیان همزمان با نزول این آیین آسمانی تازه به این فکر افتاده بودند که طی کنفرانس‌های بین‌المللی نتیجه بگیرند زن انسان است یا خیر (زیبایی نژاد، سبحانی، ۱۳۷۹، ۵۳)؟

آری، در طول یکصد سال اخیر بود که زن در ممالک مختلف غربی، به تدریج، مورد توجه واقع شد و به اصطلاح صاحب آزادی گشت؛ اما حقیقت این است که به رغم کسب پاره‌ای از حقوق و آزادی‌ها نتوانست منزلت واقعی و مقام انسانیت را تصاحب نماید. اگر زن به تعبیر قرآن در جاهلیت اولی در مسیر انحطاط به سر می‌برد، امروز توسط جاهلیت مدرن و مترقی به مسلخ برده شده است و در کشورهای مترقی و متمدن صرفاً با نگاه ابزاری و سیله‌ی اشباع‌گریزه و بهره‌کشی اقتصادی و... قرار گرفته است. پس با رویکرد دوباره به تعالیم هستی بخش اسلام ناب محمدی می‌توان نمونه‌های زیبایی از عدالت و مساوات در برخورد با زن و مرد یافت.

سیره‌ی نبوی، زن و خانواده

در این مجال برآنیم تا با بررسی گذرا از فرهنگ و سنت نبوی، و بازخوانی این سیره‌ی و حیانی، به بازسازی ذهنیت‌ها پردازیم و با محوریت آموزه‌های پیامبر اسلام ﷺ نهاد خانواده را، که عضو رئیسه‌ی اجتماع است، در جایگاه اصلی خود ترسیم نموده و توصیه‌ها و رفتار نبی مکرم اسلام ﷺ را در برخورد با اعضای خانواده، به ویژه زنان، بررسی نماییم.

امروزه ضرورت دفاع فعال از شخصیت و حقوق زنان در خانواده بیش از هر

زمان دیگر احساس می‌شود، زیرا مسائل اصلی زنان در پشت هاله‌ای از نگرش‌های غلط جاهلانه پنهان مانده و اصلاحاتی که به بهانه‌ی رفع تبعیض از زنان انجام می‌شود، بیش از آن که مفید باشد، بر آسیب‌ها افزوده است. با بررسی شرایط کنونی و تحولاتی که اسلام در موضوع شخصیت و حقوق زنان ایجاد نمود به خوبی نشان می‌دهد که حرکت پیامبر اسلام ﷺ حرکتی هدف‌مند و ابتکاری، فعال، از سر اعتقاد و سرسختانه بوده است و در این راه ضمن مبارزه با جاهلیت، جایگاهی متناسب و وزین از زن مسلمان و خانواده نشان داده است. در نگاه اسلام و نبی اکرم ﷺ ازدواج برای تشکیل خانواده مسیر دین داری را تسهیل می‌کند و عزوبت، شخصیت انسانی را فرومی‌کاهد و بهترین گام‌ها قدم‌هایی است که در جهت تقویت پیوندهای خانوادگی برداشته شود. از این روست که ایشان می‌فرماید:

من تزوج قد احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقی (نوری طبرسی، ج ۱۴، ۲۵۲)

کسی که ازدواج کند به تحقیق نصف دین را احراز کرده و در نصف باقی تقوای الهی پیشه کند.

و شرار امتی عزایبها (مجلسی، ج ۱۰۳، ۱۳۷۳، ۲۱۹)
شرار امت من عزب‌های آن هستند.

ازدواج پیوندی الهی و بهترین نهاد سازنده‌ی اجتماعی به حساب می‌آید و زمینه ساز رشد و کمال است و محل تلاقی ویژگی‌های مکمل زن و مرد است که در سایه‌ی آن می‌تواند تعادل روحی و روانی را برای تمامی اعضا به ارمغان آورد.

در آموزه‌های دین مبین اسلام خانواده بهترین محل برای بروز استعدادهای زن و اعلام توان‌مندی‌های اوست، زن در نقش‌های بی‌بدیل خود، که مادری و همسری است، اهمیت وجودی خویش را به رخ می‌کشد و دشوارترین پیچیده‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و هنری را در این جایگاه ارائه می‌دهد تا آنجا

که شایسته ترین گفتار در حق او بیان می گردد.

پیامبر ﷺ می فرماید:

تحت الامهات روضة من رياض الجنة (نوری طبرسی، ج ۱۵، ۱۸۱)

زیر پای مادران دری از درهای بهشت است.

تربیت فرزند و کارآمد کردن اعضای خانواده بهترین خدمتی است که خانواده به جامعه ارائه می دهد و عنصر اصلی در این پایگاه انسان سازی مادر است. لذا در توصیف منزلت و مکانت این انسان شریف فرموده است:

اذ كنت في صلوة التطوع فان دعائك والدك فلا تقطعها و ان دعتك والدتك فاقطعها (همان)

اگر نماز نافله می گذاری و پدرت تو را صدا زد نماز را قطع مکن و اگر مادر تو را صدا زد آن را قطع کن.

در مکتب متعالی اسلام والدین از جایگاه بلند مرتبه ای برخوردارند، و فرزندان باید نسبت به آنها احساس مسؤولیت نمایند و در خدمت به آنها اهتمام ویژه ای داشته باشند و در سایه ی حسن سلوک با آنان است که به وظیفه ی خود عمل کرده اند.

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَهْنِي وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ ... (لقمان، ۱۴)

آدمی را درباره ی والدینش سفارش کردیم مادرش به او حامله شد و هر روز ناتوان تر می شد و پس از دو سال از شیرش بازگرفت.

اما متأسفانه این نقش بی بدیل مادرانه در دهه های اخیر به عنوان نقش انحصاری زنانه مورد چالش قرار گرفته و به ویژه از سوی فمینیست ها از کلیشه های جنسیتی قلمداد شده است که به گفته ی آنها نظام مردسالار برای خانه نشین کردن زنان آن را نقش مقدس وانمود می کند. لذا تأثیرات فرهنگ غرب در فرهنگ خودی از اهمیت خانه داری کاسته است، به گونه ای که امروزه کم تر زنی به خانه داری خود افتخار می کند.

اما در تفکر دینی و اصولی، جانب‌داری‌های منطقی از زن به عنوان مادر او را از جایگاه معنوی و حقوقی والایی برخوردار می‌کند. در این نگاه ارتقای هر یک از اعضای خانواده تا حدود زیادی در گروی ارتقای اعضای دیگر است. لذا راه حل اسلام برای حصول جامعه‌ای پویا و انسان‌هایی تکامل یافته تأکید بر لزوم هماهنگی و مودت و احترام متقابل در روابط خانواده می‌باشد.

«قال رسول الله اخی جبرئیل و لم یزل یوصینی بالنساء حتی ظننت ان لا یحل لزوجها ان یقول لها اف» (حکیمی، ۱۵۲)؛ برادرم جبرئیل همواره سفارش زن‌ها را می‌کرد چنان که خیال کردم مرد حق ندارد به همسرش کلمه‌ی اف بگوید.

در گستره‌ی هستی انسان برای نیل به مراتب عالی آفریده شده و زن و مرد هر کدام در رسیدن به تعالی از توانایی نسبی برخوردارند، که اگر همچون سیاره، گرد هم به گردش در آیند، حس نیاز متقابل را با این پیوند پاسخ داده و زمینه‌ی اوج‌گیری را فراهم می‌آورند. «وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱)؛ و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان آفرید تا با او آرامش یافته و با هم انس بگیرید و در میان شما دوستی و مودت برقرار کرد.

خانواده بهترین محیط برای شکل‌گیری شخصیت فرزند می‌باشد و به او می‌آموزد که چگونه ارتباط برقرار نماید، هماهنگی کند، تأثیر بگذارد و تأثیر پذیرد و این خانواده و نحوه‌ی برخورد با فرزندان به ویژه دختران است که زمینه ساز سلامت اخلاقی و انتقال ارزش‌ها به نسل آینده می‌باشد. از این روست که رسول خدا با تقویت روحیه‌ی عدالت، همگام با اصل اکرام، در مناسبات رفتاری با فرزندان این عنصر اثرگذار در پیکره‌ی اجتماع، یعنی دختران را طوری به جایگاه احترام و شخصیت می‌برد که در دادن تحفه و هدیه به آنان پیشگامی را رهاورد اصل تربیتی قرار می‌دهد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«من دخل السوق فاشتری تحفة فحملها الی عیاله ... و لیبدء

بالاناث» (محمدی ری شهری، ج ۱۰، ۷۰۶)

آن که بازار برود و ارمغانی بخرد و به خانه ببرد در تقسیم از دختران آغاز کند.

گویا تقویت پیوند عاطفی و توجه به روحیات زنانه در استحکام و بقاء خانواده و جامعه از اهمیت به سزایی برخوردار است.

بازخوانی متون وحیانی و مکتب نبوی ضرورت توجه به تفاوت‌های مسؤلیتی زن و مرد را در نهاد خانواده گوش زد می‌نماید و حسن معاشرت را در روابط خانوادگی وظیفه‌ی شوهر می‌داند. «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) با همسران خود به نیکویی رفتار کنید.

واژه‌ی «معروف» ۳۸ بار در قرآن ذکر شده که ۱۹ مورد آن، توصیه به مردان در باب معاشرت و رفتار با زنان است (مهریزی، ۱۳۸۲، ۱۹). این امر حاکی از اهمیت و حسن برخورد و رفتار اسلام و سیره‌ی نبی مکرم در زندگی بانوان است.

«قال رسول الله ان اكمل المؤمنين ايماناً احسنهم خلقاً و خياركم خياركم لنسائهم» (الحر العاملي، ج ۱۶، ۱۴۱۶، ۱۰) کامل‌ترین مؤمنین از جهت ایمان کسی است که از جهت اخلاق نیکوترین آنها باشد و برترین شما کسانی هستند که با زن خود خوش رفتار باشند.

حساسیت آموزه‌های دینی به چگونگی ایفای نقش، متناسب با اهمیت هر نقش و میزان تأثیرگذاری آن در فرد، خانواده و اجتماع بوده است. بنابراین می‌توان به وجه حساسیت دین در ایفای نقش‌های مردانه در قالب سرپرستی خانواده پی برد. به ویژه در احادیث نبوی توصیه‌های بسیاری به مردان کرده‌اند از جمله حمایت اقتصادی از عائله و توسعه بر آنان.

قال رسول الله الكاد على عياله من حلال كالمجاهد في سبيل الله

(مجلسی، ج ۱۰۳، ۲۲۶)

کسی که برای روزی حلال خانواده‌اش تلاش می‌کند مانند کسی است که در

راه خدا جهاد کرده است.

تجلی سنت نبوی با دادن رنگ خدایی به حمایت اقتصادی مردان از خانواده، زنان را فارغ از دغدغه‌ی کار برای معاش، آرامش بخش بنیادی‌ترین واحد جامعه، یعنی خانواده، می‌نماید. لذا به وجه حساسیت دین در ایفای نقش‌های مردانه در قالب سرپرستی خانواده می‌توان پی برد. ساختار خانواده در این نگاه مبتنی بر سلسله مراتب طولی است و مسؤولیت مرد در بستر زمان بدیل ناپذیر است و مرد نمی‌تواند نسبت به آن تسامح ورزد.

... من لم یستحی من طلب الحلال من المعیشة خفت مؤمنته و رخی
باله و نعم عیاله (همان، ص ۱۰۳)

آن کس که در کسب روزی حلال ابا و شرمی نداشته باشد، سختی و رنج روزی بر او هموار می‌شود و آسوده خاطر گشته و خانواده‌اش از رفاه بهره‌مند می‌گردند.

دقت در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ما را به این نکته متوجه می‌سازد که زنان نیز باید ایفای هر چه بهتر نقش همسری و مادری در قالب دل‌سوزی و عاطفه‌ورزی با فرزندان، تواضع و آراستگی در مقابل همسر، حفظ اموال خانواده و حسن ارتباط با همسر را مد نظر قرار دهند.

قال رسول الله جهاد المرءة حسن التبعل (مجلسی، ج ۱۰، ۹۹)

جهاد زن خوب همسراری کردن اوست.

لازم به ذکر است که زیباترین هماهنگی در روابط زن و مرد در تقسیم مسؤولیت‌های طبیعی به چشم می‌خورد، که این امر هیچ تعارضی در نیل به سعادت جاودانه و عبودیت عارفانه‌ی آنان ندارد. مشترک بودن هدف غایی باعث تشابه در حوزه‌ی وظایف نمی‌گردد، چه بسا عملی که زن را به کمال می‌رساند و او را در مسیر سعادت قرار می‌دهد، دقیقاً همان عملی نباشد که مرد را به تکامل می‌رساند. لذا بشر، به تنهایی و بدون بهره‌گیری از افق برتر و حی، هرگز نخواهد توانست استعدادهای ضمیر آدمی را باز شناسد. پس در تعیین الگوی

تقسیم کار در عرصه‌ی خانواده باید دنبال نمونه‌هایی بود که پشتوانه‌های و حیانی دارند، لذا زندگی مشترک فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام، که از علم و حکمت نبوی سرچشمه گرفته‌اند، کامل‌ترین الگوست.

معمولاً بهترین شاهی که بر کارآمدی برنامه‌های هر مکتب می‌توان ارائه داد بررسی ابعاد شخصیتی کسانی است که براساس آموزه‌های آن پرورش یافته‌اند و توجه به شخصیت بانوانی همچون حضرت زهرا علیها السلام، که در مکتب تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله به بار نشسته است، گویای نگاه ایشان به شخصیت زن است؛ آن‌گاه که این الگوی نمونه در برخورد با همسر خویش می‌فرماید:

یا ابا الحسن انی لا یستحیی من الهی ان تکلف نفسک ما لا تقدر
علیه (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱، ۱۲۲)

ای ابا الحسن من از پروردگام شرم دارم که از تو بیشتر از آنچه در توان
توست انتظار داشته باشم.

این سخن هر عاقل خردمندی را متوجه حسن معاشرت و انتظار زن از همسر خود می‌نماید، اما متأسفانه در دهه‌های اخیر با کاهش پیوندهای خانوادگی و غلبه‌ی فرهنگ امانیستی حس استقلال‌طلبی و فرار از تعهدات را در جوامع و خانواده‌ها فراهم کرده است و هر یک از اعضای آن در صدد استیفای حقوق خود و رسیدن به آمال خویش‌اند. زنان و دخترانی که می‌توانند مصداق تبلور ارزش‌های ملکوتی و آموزگار جامعه‌ی بشری باشند، به ورطه‌ی بی‌هویتی و به اصطلاح آزادی و استیفای حقوق افتاده‌اند. آری، نبی اسلام صلی الله علیه و آله با هر زبانی کوشش نمود تا معارف الهی و زندگی خداپسندانه را به مردم آموزش دهد و در این امر بسیار حریص بود. (... و مَا أَكْثَرَ النَّاسِ وَ لَوْ حَرَصْتُ بِمُؤْمِنِينَ) (یوسف، ۱۰۴) اکثر مردم، اگرچه به ایمان آوردنشان حریص باشی، مؤمن نیستند.

البته حرص ایشان به خاطر شدت علاقه‌شان به نجات امت بوده است؛ مانند پدری مهربان که تمام سعی‌اش هدایت فرزند به طرف مقامات علمی و کمال است؛ «انا و علی ابواه هذه الامة» (جوادی آملی، ج ۸، ۱۳۷۶، ۲۹۱)

امید است که با به روز کردن و کاربردی کردن فرهنگ و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام بتوانیم خط بطلانی بر نسخه‌های پوسیده و تبلیغاتی غرب بکشیم.

جایگاه اجتماعی - سیاسی زن از منظر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

در نگرش اسلام، زنان همچون مردان در بیشتر مسائل اجتماعی پایگاه و جایگاهی مناسب دارند و از حرکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های گروهی منع نگردیدند، بلکه اسلام با روش‌های خاصی سعی بر این داشته که زمینه‌های لازم برای حضور مناسب زنان را در جامعه فراهم نماید. تأکید فراوان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر لزوم آموزش مسلمانان، اعم از زن و مرد، «طلب العلم علی کل مسلم و مسلمة» (حکیمی، ۵۳)، نشانه‌ی توجهی است که این آیین آسمانی به دانستن و در پی آن نقش این دو عنصر اساسی در زندگی مدنی دارد. لذا در جهت تحقق این هدف ایشان تأکید می‌فرمایند که: هر کس که سه دختر یا سه خواهر داشته باشد و آنان را تعلیم دهد و ادب بیاموزد و در مورد آنان پروای خداوند را داشته باشد، بهشت بر او واجب می‌گردد (طفرانگار، ۱۳۸۳، ۷۰). این امر بستری مناسب را برای حضور اجتماعی و فرهنگی زنان، که نقش مؤثری را در توسعه‌ی فرهنگی جامعه دارند، فراهم نمود.

البته سیره‌ی نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حاکی از آن است که در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، همانند امر به معروف و نهی از منکر و انجام واجبات دینی، هر دو را مسؤول دانسته است.

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ...» (توبه، ۷۱) مردان و زنان مؤمن برخی بر برخی ولایت دارند به معروف یکدیگر را امر می‌کنند و از منکر بازمی‌دارند و نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند.

این آموزه‌ی دینی، زنان را همپای مردان در سرپرستی، ولایت و مدیریت اصلاحی جامعه قرار می‌دهد تا به بازدارندگی از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها بپردازند.

با مراجعه به شیوه‌ی گفتار و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر اسلام به وضوح در می‌یابیم که ایشان تمام اقشار جامعه، از جمله زنان، را در مسائل سیاسی دخالت می‌داد و حضور آنها را در صحنه‌ی اجتماع می‌پذیرفت. ایشان طبق دستور قرآن کریم بر سر اصول و معیارهایی پیمان زنان را قبول می‌نماید و این بدنه از جامعه‌ی اسلامی را با مسؤولیت‌های سیاسی - اجتماعی خویش آشنا می‌سازد.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِمَهْنَانَ يَفْتَرِيهِنَّ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَلَا أَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْفِفْنَ لهنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه، ۱۲) ای پیامبر، اگر زنان مؤمن نزد تو آمدند تا بیعت کنند بدین شرط که هیچ کس را با خدا شریک نکنند و دزدی نکنند و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند و فرزندی را که از آن شوهرشان نیست به او نسبت ندهند و در کارهای نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنها بیعت کن و برایشان از خدا آموزش بخواه، که خداوند آمرزنده و مهربان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چندین نوبت از زنان بیعت گرفته‌اند (حکیم پور، ۱۳۸۲، ۲۲۸). نکته‌ی جالب این است که با توجه به فضای فرهنگی حاکم در آن زمان، که این قشر از جامعه در انزوا به سر می‌بردند، در عرصه‌ی کاملاً سیاسی و اجتماعی فراخوانده می‌شوند و یک انقلاب فرهنگی که گویای الگوی مشارکت زنان در اصلاح جامعه است رخ می‌دهد، الگویی جنسیتی و با محوریت عفاف و حفظ موازین اخلاقی که از اهم اصلاحات نبوی بوده است.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَيْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَيْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور، ۳۰) به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگاه دارند، این برایشان پاکیزه‌تر است. زیرا خدا به کارهایی که می‌کند آگاه است و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگاه دارند.

همچنین زنان در نهضت عظیم اجتماعی - سیاسی هجرت نیز در دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرکت نمودند. در دورانی که زنان حق دخالت در کوچک‌ترین

مسائل اجتماعی را نداشتند مورد توجه رهبر مسلمین قرار می‌گیرند و پیام حضرت حق را در این خصوص دریافت می‌دارند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاثْمَحْنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ» (ممتحنه، ۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون زنان مؤمنی که مهاجرت کرده‌اند به زردتان آیند، بیازماییدشان، خدا به ایمان‌شان داناتر است. پس اگر دانستید که ایمان آورده‌اند، نزد کافران بازشان مگردانید. آنجا که در تحکیم بنیان شجره‌ی اسلام رسول خدا ﷺ، دستور جهاد صادر می‌نماید، زنان هم گرچه و جوب جهاد از آنها برداشته شده، اما به اذن پیامبر ﷺ و حتی در کنار دخت گرامی ایشان حضرت فاطمه ﷺ در این عرصه مهم حضور می‌یابند (فہیم کرمانی، ۱۳۷۴، ۱۴۴).

آیین آسمانی اسلام به دستان پر توان حضرت محمد ﷺ بنا به شواهد تاریخی احیاکننده‌ی حقوق زن است و گام‌های ارزش‌مندی در راستای استیفای حقوق انسانی زن برداشته است.

توجه به آراء و نظریات بانوان در سیره‌ی رسول خدا ﷺ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، به طوری که در صلح حدیبیه، پس از امضای قرارداد، ایشان به مسلمانان دستور داد قربانی کنید و سپس تقصیر نمایید، اما آنان به دستور پیامبر ﷺ عمل نکردند، رسول خدا نزد ام سلمه آمد و جریان را بازگو نمود. ام سلمه گفت: شما خود قربانی کرده و تقصیر به جا آورید و با کسی سخن مگویید. پیامبر ﷺ هم طبق پیشنهاد او عمل کردند و به دنبال ایشان بقیه‌ی مسلمانان تبعیت نمودند (مهریزی، ۲۶).

زنان در فرایند کار و تلاش و مسائل اقتصادی نیز حق شرکت فعال داشتند و در همه‌ی این زمینه‌ها اسلام حقوق آنان را محترم شمرده است. «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا» (نساء، ۳۲) مردان و زنان را از آنچه به دست می‌آورند بهره‌ای است.

در متن آموزه‌های مکتب نبوی زنان ضمن حفظ شؤن و شروطی که دین

مقرر نموده است، می‌توانند شخصاً برای خود درآمدزایی داشته باشند و لذا بانوان زیادی در عصر پیامبر ﷺ به شغل‌های مختلف تجارت، صنعت‌گری، طبابت، عطاری و... مشغول بودند. پیامبر ﷺ هم از کار آنان منعی نداشتند (فہیم کرمانی، ۷۱).

قابل ذکر است که فعال بودن زنان در عرصه‌ی اجتماع با تحکیم نقش منطقی و مثبت زنان، به خصوص مسؤولیت‌پذیری خردمندانہ از نکات حائز اهمیت است. اما متأسفانہ امروزہ در جوامع مختلف، در بیشتر موارد، ضرورت‌های حرفه‌ای حالت غالب به خودگرفته و تعهدات مادری و همسری به دست اہمال سپردہ شدہ است و عدم توجہ بہ تعہدات و چارچوب‌ها این حضور را با چالش مواجه نموده است.

از آن زمان کہ رسول خدا ﷺ زنان را از تاریکی جاہلیت آزاد ساخت، بیش از چہارادہ قرن می‌گذرد، و بار دیگر زن بہ ظلمت جہل و جور بازگشت نمودہ و بہ نام تجدد و آزادی بہ اسارت و تباهی کشیدہ می‌شود و در زیر پوشش فریبای تمدن مدرن و وعدہ‌ی تساوی و عدالت، بہ ورطہ‌ی بی‌ہویتی سوق دادہ شدہ و رفتار نامناسب بعضی از مسلمانان با این قشر از جامعہ و تبلیغات فرهنگی غرب بر دیدگان بانوان پردہ افکنندہ است تا حقایق را دگرگون درک نمایند و عفت را بردگی، انجام وظیفہ را اسارت و بی‌ہویتی را شخصیت بنامند.

نتیجہ‌گیری

با بررسی اجمالی در سیرہ‌ی نبی اکرم ﷺ در مورد جایگاہ و مکانت زن، درمی‌یابیم ایشان با پشتوانہ‌ی مکتب و حیانی اسلام توانستند برنامه‌ی کاملی از سعادت و عدالت انسانی را برای این دو عنصر اساسی اجتماعی ارائه دهند و پرواضح است کہ احیای شخصیت والای زنان در ہمہ‌ی ابعاد، چہ فردی و اجتماعی و چہ در عرصہ‌های مختلف در ادبیات دین اسلام طراحی شدہ است و روشن شد کہ حرکت پیامبر اکرم ﷺ در دفاع از حقوق زنان ہم در جہت نقد

سنت‌های زمان استوار بود و هم در ترسیم شخصیت و جایگاه. تحولات فرهنگی و اجتماعی اسلام سبب شد که در طول سده‌های پس از ظهور اسلام با وجود سنت‌های غلط، صدها زن دانشمند، فقیه و راوی حدیث، متکلم، ادیب، معلم و... به صحنه آیند.

پس کارآمدی این برنامه‌ی جامع بدون شک بر کسی پوشیده نیست، لذا پیشنهاد می‌شود که:

۱) متولیان و مسؤولان فرهنگی ضمن بازخوانی متون و حیانی و سیره‌ی نبوی، به روزآمد کردن این برنامه سرعت بیشتری دهند تا نسل جوان و تشنه‌ی این دیار طعم شیرین برنامه‌ی سعادت نبوی را در کام خود احساس کنند.

۲) بانوان و جامعه‌ی زنان به حس ایفای نقش خود در حیات فردی، خانوادگی، اجتماعی اهتمام هوشمندانه داشته باشند و مواظب حرکت خزنده‌ی تبلیغات فرهنگی غرب باشند تا در دام جاهلیت مدرن گرفتار نیایند.

۳) دستیابی به ادبیات دینی مبتنی بر سیره‌ی نبوی در مورد زنان مسؤولیتی سنگین را بر دوش اندیشمندان مسلمان می‌گذارد تا طی برنامه ریزی‌های کلان، ساختار موجود را آسیب شناسی نموده و از نفوذ فرهنگ بیگانه و فمینیستی جلوگیری نمایند.

۴) سیستم حمایت از نهاد خانواده و حفظ کیان آن در کشور باید طوری طراحی شود که جوانان را به سوی تشکیل زندگی مشترک و رعایت حقوق و اخلاق سوق داده هر یک را در مدار مسؤولیت خویش هدایت نماید.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) آیت الهی، زهرا (۱۳۸۱)، زن و خانواده، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.
- ۳) الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ هـ)، وسائل الشیعة الی تحصیل

- مسائل الشريعة، ج ۱۶، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.
- ۴) امام علی علیه السلام (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، لاهیجی.
- ۵) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶)، زن در آئینه جمال و جلال، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۶) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶)، سیره رسول اکرم در قرآن، ج ۸، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۷) حاج سید جوادی، احمد، کامران فانی و... (۱۳۸۳)، دایرة المعارف تشیع، ج ۵، نشر شهید سعید محبی.
- ۸) حکیم پور، محمد (۱۳۸۲)، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران، نغمه نو اندیش.
- ۹) حکیمی، محمد (۱۳۷۸)، دفاع از حقوق زن، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۱۰) دهقان، احمد (۱۳۷۹)، مقام دختران در اسلام، قم، لاهیجی.
- ۱۱) زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۷۹)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، دارالثقلین.
- ۱۲) سبحانی، جعفر (۱۳۸۱)، فرازهایی از تاریخ اسلام، تهران، نشر مشعر.
- ۱۳) صدر، بنت الهدی (۱۳۸۲)، زن در زندگی پیامبر اکرم، ترجمه‌ی محمود شریفی، تهران، امیر کبیر.
- ۱۴) طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳۸، ترجمه‌ی محمد باقر موسوی همدانی، تهران، کانون انتشارات محمدی.
- ۱۵) طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۹)، سنن النسبی، ترجمه‌ی استاد ولی، تهران، پیام آزادی.
- ۱۶) طفرانگار، حسن (۱۳۸۳)، حقوق سیاسی اجتماعی زن قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۷) عابدینی، احمد (۱۳۸۱)، شیوه همسررداری پیامبر، تهران، نشر هستی نما.

- ۱۸) فهیم کرمانی، مرتضی (۱۳۷۴)، چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۹) مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۵ هـ)، بحار الانوار، ج ۱۰۳، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۰) محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۱)، میزان الحکمه، ج ۱۰، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- ۲۱) مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا.
- ۲۲) مهریزی، مهری (۱۳۸۲)، زن و فرهنگ دینی، تهران، هستی نما.
- ۲۳) نصیری، محمد (۱۳۸۴)، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف.
- ۲۴) نوری طبرسی، میرزا حسین (بی تا)، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۲۵) کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان.